

سالهاست که تجارت و مراوده بازرگانی در کشورهای حاشیه خلیج فارس (امیرنشین ها، شیخ نشینها، جزایر و...) نقش بازرگان ها و صادرکنندگان ایرانی را در نبض شریانیهای اقتصادی خود احساس می کند. ایرانی ها پس از استقلال مستعمره های انگلیس اولین کسانی بودند که با لنج و دونه، انواع مواد غذایی، محصولات کشاورزی و گیاه و درخت و حتی خاک و آجر را به دوی و سایر امارات صادر کردند و امروز پس از گذشت حدود نیم قرن در سیمای آفتاب سوخته بسیاری از این افراد پیشینه و تاریخ تجارت در امارات قابل مشاهده است.

هنوز هم بر سر در شرکتهای تجارتخانه ها و حتی مغازه ها در ابوظبی، دوی، شارجه، العین و راس الخیمه تلفیق اسامی ایرانی و عربی (حضور تاجر ایرانی در خاک اعراب) دیدنی است، نامهای ایرانی که گرچه تلفظ عربی گرفته اند اما همچنان فارسی مانده اند گله داری های استان فارس کلداری خوانده می شوند، بچه های گراش هم کراشی نامیده می شوند.

همه چیز ایرانی است تنها حروف پ به ب و گ به ج یا ک تبدیل شده است و بازرگانی ارجمندی و پسران هم الحاج عبدالخالق ارجمند و اولاده نام گرفته است که پیشینه آن به سالهایی برمی گردد که در دوی کارخانه برق یا آب شیرین وجود نداشت.

در مدت حضور در نمایشگاه خبرنگار ما با علی محمد ارجمندی مدیر شرکت ایران دوی که پس از بازنشستگی پدر تعیین کننده خط مشی شرکت بازرگانی است و با کمک برادران خود در ایران و دوی یک مجموعه بزرگ و ۵۰ ساله را با متعلقات جدید در حال فعالیت دارد به گفتگو نشسته است.

دو سال است که محافل ایرانی صحبت از توسعه روابط اقتصادی و مشارکت خارجی می کنند، مسئولین علاقه مند به سرمایه گذاری خارجی ها در ایران هستند و البته کم نیستند اعراب سرمایه داری که بانکها از پرداخت سود به سپرده های آنها عاجز شده اند و هستند اعرابی که از دریافت پول، بهره و باز هم پول عاجز شده اند. خانه، آپارتمان و اتومبیل، رفاه، سفر خارج برای آنها همچون تناول نان بربری برای ایرانیان درآمده است. ایران علاقه مند است نگاه این سرمایه گذاران را از کوره، مالزی و

سنگاپور و حتی جبل علی به سوی ایران، قشم و کیش بکشاند، به همین جهت مناسب دیدیم گفتگویی با علی محمد ارجمندی داشته باشیم. قدر مسلم نظرات وی به عنوان یک بازرگان با تجربه که با بیش از ۲۰ کشور دنیا روابط تجاری دارد و یکی از بزرگترین صادرکنندگان میوه ایران به امارات عربی و یکی از بزرگترین وارد کنندگان میوه های دنیا در دوی است و پیشنهادهای مستند سنگاپور را برای سرمایه گذاری در آن کشور رد کرده است و هم اکنون در حال تاسیس امکانات و سرمایه گذاری در چند شهر ایران است می تواند در روشن شدن پاره ای از ابهامات عدم استقبال سرمایه گذاری در ایران مؤثر باشد.

وی در این گفتگو سابقه سرمایه گذاری خارجی در دوی و مشارکت را در امارات مطرح کرده می گوید: قبل از اتحاد در بین

است. با این وجود در امارات کمترین مشکلات مربوط به بازرگانهای ایرانی است، ایرانی ها تاجر خوبی هستند، فکر، شعور و قدرت برنامه ریزی، محاسبه، ریسک معقول و دادوستد بزرگ دارند کم نیستند بازرگانان ایرانی که در دنیا به نیکی از آنان یاد می شود. البته این بازرگانان چنانچه در سالهای گذشته مورد بی مهری دولت قرار نمی گرفتند مسلماً از عوامل بسیار کارآمد توسعه تجارت به حساب می آمدند و کیش و قشم و سایر نقاط با حضور آنها دایره ای برای جذب سرمایه گذاران خارجی می شد.

گزارش: از قشم و کیش گفتید راستی چرا این مناطق رونق نمی گیرد و به جز دلالی و واسطه گری کاری دیگر در آنها صورت نمی گیرد؟

- مناطق آزاد نه اینکه به معنای آزاد از آبادی و عمران و تاسیسات باشد، این

شریک خارجی

شریک وطنی

امیرنشین های و شیخ نشینها مسئله مشارکت مطرح نبود، اما پس از اتحاد برای دست یافتن شهروندان به رفاه عمومی و ایجاد درآمد برای آنها مسئله شریک وطنی، مشارکت، صدور ویزای کار و... مطرح شد. با این مقررات اعراب که کار اصلی آنها صید ماهی و صدف از دریا بود و تعداد بسیار کمی از آنها تاجر بودند با استقبال سرمایه گذاران خارجی روبرو شدند. واردات کالا از دنیا به خلیج فارس شروع شد پس از چند سال بعضی از شرکای خارجی ورشکست شده یا فرار کردند و تعهدات آنها پابرجا ماند، و شرکای وطنی مجبور به پرداخت بدهی های شرکای فراری شدند. بعد از این تجربه، هم اکنون به دستور شهرداری دوی شراکت به نسبت ۴۹ درصد (حق السهم خارجی) و ۵۱ درصد (حق السهم عرب) صورت می گیرد. مقررات دیگر نیز به نفع شریک وطنی

اشتباه است جبل علی اول درست شد بعد هتل ها، دفاتر، تلفن و تلکس و... در آن آغاز به کار کردند و تبلیغات وسیع برای جذب کارخانه داران و شرکت ها شروع شد اما بعد از این هم تلاش و کار و تبلیغات هنوز هم ظرفیت پیش بینی شده آن تکمیل نشده است. در قشم و کیش و بندرلنگه هنوز همان اسکله ای است که ۴۰ سال قبل (و شاید با تغییرات جزئی) فعالیت می کرد، سرمایه گذار اگر یک شب بماند باید تا صبح بدون برق و روی شاخل شب زنده داری کند. منطقه آزادی که سرمایه گذار باید در آن جاده بسازد، برق تامین کند اسکله بسازد. ترمینال کانتینری برپا کند و... این به عمر سرمایه گذار قد نمی دهد با همه اینها جبل علی سند ۳۰ ساله می دهد، ایران اجاره ۳۰ ساله نمی دهد با این تعویض مسئولین و تغییر مقررات، تضمین دولت برای سرمایه گذاری خارجی لازم است،

سرمایه‌ها باید بیمه شود. اصلاً چرا باید مردم تمام دنیا و سرمایه‌گذاران تمام دنیا از بیمه استقبال کنند اما کارخانه دار ایرانی از آن فرار کند باید بررسی شود احتمالاً قانون درست اجرا نمی‌شود و جای سؤاستفاده باز است.

در بسیاری از کارها سؤاستفاده می‌شود. یک خارجی در فرودگاه پیاده می‌شود با توجه به اختلاف نرخ ارز در فرودگاه باید تابلویی مشخص کند کدام هتل برای خارجی مناسب است، هر شب اقامت چند دلار یا معادل ریالی باید پرداخت شود. سرمایه‌گذار زمانی که به هتل وارد می‌شود و برخورد و امکانات و ادعا را می‌بیند توی ذوقش می‌خورد.

گزارش: به نظر شما سرمایه‌گذاران کدام کشورها علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در ایران هستند.

- اطلاعات من محدود به کشوری است

تغییرات فراوان آن مطمئن نیستند. گزارش: مردم ایران در جذب سرمایه‌گذاران خارجی چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

- باید در ابتدا دولت به مردم اطمینان کند. چه خوب است که صدور ویزا، ویزای کار و مشارکت برای افزایش رفاه عمومی به مردم واگذار شود مثل امارات که در آن کشور برای صدور هر ویزا به یکی از اعراب پول پرداخت می‌شود (البته پول تمبر دولتی، بررسی‌ها و مسایل اطلاعاتی به جای خود) و یک ایرانی می‌تواند از این طریق توریت، کارشناس یا تکنیسین جذب کند. در مورد سرمایه‌گذار مرسوم است که خارجی‌ها می‌گویند در ایران با دو کلمه نمی‌توان طرف شد «بیت المال» و «مستضعف». در حالی که آنچه روزنامه‌ها از سؤاستفاده و دزدی‌ها می‌نویسند کسر شدن از بیت المال است بعد از مقررات و قوانین،



که در آن تجارت می‌کنم، مردم اینجا ایران را دوست دارند، آنها هنوز هم علاقه‌مندند گذشته تابستانهای گرم امارات را در شیراز، تهران و شمال ایران بگذرانند، آنها مسلمان هستند و علاقه‌مند به اینکه خانواده و همسرشان در یک محیط سالم زندگی و تفریح کنند. بسیاری از اعراب هنوز در بندرعباس، شیراز و... دارای منازل مسکونی (و شاید به نام دیگران) هستند، چرا از این مشترکات و علاقه‌مندی‌ها استفاده نمی‌کنید؟ اگر قوانین آزاد بگذارند و خارجی‌ها مطمئن شوند؛ در آن صورت همه چیز به نفع ایران است.

حتی ناامنی فعلی در منطقه به نفع ایران است. پول اعراب در بانکها زیاد شده اعراب از گرفتن سود پول نیز عاجز شده‌اند، دیگر دوست ندارند به اروپا و آمریکا بروند. سرمایه‌داران عرب به آب و خاک ایران مطمئن هستند اما به مقررات ایران و

انگور از زمان برداشت تا مصرف حدود ۳ ماه در کانتینر و در کشتی حمل می‌شود. در اینجا تازه و شاداب عرضه می‌شود. صنعت بسته‌بندی در ایران هنوز از مرز گونی و کارتن‌های بد رنگ و بی‌کیفیت نگذشته است و همین کارتن‌ها در انتظار مجوز گمرک در زیر باران و برف یا آفتاب سوزان محموله خود را در مواردی ضایع می‌کند. حمل و نقل چیزی در حد مصیبت است. حمل و نقل هوایی برای صادرکننده ایران در حسد خیال و آرزوست. شاید ایران ایر مشکلات داخلی کمبود هواپیما، و... داشته باشد و درآمد برای آن مهمتر از صادرات کشور باشد، در آن صورت باید انحصار حمل میوه ایران را پس بدهد تا سایر خطوط هوایی بتوانند با شرایط قبلی به حمل میوه (به صورت چارتر ریالی) بپردازند، هم اکنون کرفس، تیره‌فرنگی سبزیجات و گسل و یک ماه دیگر سردرختی‌های ایران مشتریان فراوانی در کشورهای دنیا دارد اما در صورتی که با هواپیما آتزا حمل کنند.

با این همه مشکل حمل و نقل دریایی درخواست مجوز می‌کنند، دولت باید حمایت کند. مزاحمت ایجاد نکند، دولت به راستی نه تاجر خوبی است و نه حمل و نقل‌کننده خوبی است. به مردم کمک کند، وام برای خرید کانتینر و کشتی بدهد، از آنها در مقابل خطوط بین‌المللی حمایت کند و باعث سربلندی ایرانی شود.

گزارش: ارزیابی شما از صادرات و واردات در ایران چیست؟

- من فکر می‌کنم دولت نباید بترسد، با واقعاً درها را ببندد و یا آزادانه اعلام کند آنچه که کمتر از نیاز تولید می‌شود قابل وارد کردن است و آنچه که مازاد بر مصرف تولید می‌شود قابل صادر کردن، بعضی از کالاها را می‌توان پس از وارد کردن و بازاریابی، مجدداً صادر کرد. چرا باید بترسیم مگر کشورهای کره، تایوان، هنگ‌کنگ و همین امارات که تجارت، صادرات مجدد و مناطق آزاد را پیشه کردند و الان بیشترین درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی را دارند چگونه شروع کردند؟ پس کاری کنیم که بازرگانان ایرانی بین‌المللی به ایران برگردند، کسانی که می‌توانند اشتغال ایجاد کنند، درآمد ملی را افزایش دهند و باعث افتخار اقتصادی شوند مجذوب سرمایه‌گذاری در ایران شوند.

امکانات و تسهیلات مطرح است در نهایت، فعالیت، سرمایه‌گذاری و درآمد برای رفاه خانواده و زن و فرزندان صرف می‌شود.

سرمایه‌گذار اگر به صورت مجرد به ایران بیاید تفریحات شبانه، میهمانی، رفت و آمد شبانه و... خواهد داشت و چنانچه با خانواده بیاید مدرسه بین‌المللی برای فرزندش لازم دارد در حالی که سرمایه‌دار ایرانی به دلیل این کمبود کودک خردسالش را (با قبول فرهنگ غربی) برای تحصیل در مدرسه بین‌المللی به دبی، شارجه، یا کشور اروپایی می‌فرستد.

گزارش: صنایع بسته‌بندی و همچنین حمل و نقل و صادرات ایران در چه وضعیتی است؟

- در ایران هنوز سنت بر صنعت غالب است هنوز هم خربزه، انار، انگور، سیب زمینی و بسیاری از محصولات را زیرخاک می‌کنند تا سالم بماند، درحالی‌که

